

کتابخانه و موزه ملی ملک با برگزاری نشست تحت عنوان «سخن حافظ از شرق تا غرب عالم» به پیشواز روز بزرگداشت این شاعر برآوازه ایرانی رفت.

مهمان این نشست پروفیسور بلرام شوکلا، شاعر و استاد زبان سانسکریت و فارسی و شاعر بود. وی طی سخنانی گفت: بسیاری از شاعران هند، به زبان‌های فارسی، سانسکریت و اردو، علاوه بر تأثیرپذیری از اندیشه حافظ، به استقبال زبان

### تأثیر حافظ

### بر موسیقی لهستان

# قندپارسی که به بنگاله رفت

**شعر حافظ و مفاهیمی که او در غزلیاتش بیان کرده، در طول قرن‌ها بر مردم هند تأثیر روشنی داشته است**



آرش شفاعی گروه فرهنگ و هنر

ایرانیان نیست، بلکه همه کسانی که در طول تاریخ از ادبیات، فرهنگ و هنر ایرانی تأثیر پذیرفته‌اند، شعر حافظ را در ذهن و جان داشته‌اند و با آن تغالّی کرده و از حافظ مشورت گرفته و او را به خلوت خود فراخوانده‌اند. یکی از سرزمین‌هایی که این تأثیرپذیری در آن بسیار بوده است و حضور و نفوذ شعر حافظ هم در آن بسیار مشهود؛ سرزمین هند است. ارتباط فرهنگی و تمدنی میان ایران و هند، ریشه‌هایی ۳۰۰۰ساله دارد و دو ملتی چنین پیوندخورده و نزدیک‌به‌هم، از منابع فرهنگی و تمدنی خود بهره‌مند شده‌اند و یکی از این منابع بی‌شک حافظ است که تجلی ادبیات و معارف ایرانی و اسلامی نیست.

#### از شیراز به خراسان و هند

درباره این‌که آوازه شعر حافظ چه زمانی به فراسوی مرزهای ایران آن زمان ازمجله هند رسید، قول‌های مختلفی وجود دارد، اما شواهد محکمی نشان می‌دهند که شعر حافظ در زمان حیات خود او به سرزمین‌های دور راه یافته و او در زمان زندگی خود، شاعری بنام بوده است. می‌گویند خراسانیان نخستین گروهی از مردم ایران بودند که اشعار حافظ را از راه تیشاپور و هرات به هندوستان رساندند. محمد گنندام، شاگرد شاعر شیرازی که شعرهای او را گردآوری و منتشر کرده است در مقدمه دیوان حافظ اشاره می‌کند که غزل‌های این شاعر به اقالیم ترکستان و هندوستان هم رسیده است.

گفته می‌شود از میان ساکنان سرزمین هند، نخستین کسی که به‌اشعار حافظ دل بست، یک شاعر و عارف مشهور ایرانی یعنی میرسیدعلی همدانی، سرسلسله ذهبیه بود که به لطف حضور و تأثیرگذاری او در هند، اسلام و زبان فارسی دری در کشمیر و دامنه‌های هیمالیا رواج

آورفته و اشعاری با وزن و قافیه و مضمون شعر او نوشته‌اند و از سویی حافظ هم از اشعار فارسی‌گویان و شعرای پیش از خود در شبه‌قاره نظیر امیر خسرو دهلوی و سید حسن سجری بهره و حظ تمام برده است.

علیرضا دولتشاهی، پژوهشگر، سخنران بعدی این برنامه بود که با تشریح نخستین آشنایی لهستانی‌ها با ادبیات فارسی و به‌ویژه حافظ، به سیر گسترش آشنایی با حافظ در لهستان

بسیاری یافت. گفته شده او در زمان حیات شاعر به شیراز رفته و با حافظ دیدار کرده است و حتی او را نخستین کسی می‌دانند که بر غزلیات او شرحی نوشت و اصطلاحات عارفانه آن را تبیین کرد. شهرت حافظ به این ترتیب در سراسر سرزمین هند که بسیاری از مردمش به میرسیدعلی ارادت داشتند گسترش یافت و حتی دکن که در جنوب شبه‌قاره بود، تحت تأثیر غزل حافظ قرار گرفت.

#### داستان یک سفر دریایی

در میان داستان‌های اندکی که از زندگی حافظ به‌جای مانده، داستان خودداری او از سفر دریایی بارها گفته شده است و برخی از اهل تحقیق احتمال وقوع این قصه را به دلایلی رد کرده‌اند. اما اصل داستان، نه سفر رفتن حافظ که شهرت و اهمیت حافظ در زمان زندگی اوست که به نظر درست می‌رسد. داستان این‌گونه است که چون شعر حافظ در سراسر سرزمین هند شهرت یافت، نسخه‌ای از دیوان او به دست پادشاه دکن رسید. پادشاه آن زمان دکن، محمودشاه بهمنی پسر علاءالدین کانگو نام داشت. او خود شعر می‌سرود و به زبان‌های فارسی و عربی مسلط بود و در انواع هنرها به‌خصوص در خوشنویسی دستی چیره داشت. مهم‌ترین افتخار او در زندگی این بود که درهای دربارش به روی شعر و ادبیا باز بود و اهل شعر و ادب از سراسر جهان اسلام به حسن آباد کلبیگره می‌آمدند و میهمان خوان گسترده این حاکم فرهنگ‌دوست می‌شدند. گفته‌اند او از خواجه‌شیراز هم دعوت کرد که سوار بر کشتی محمودشاهی شود و از طریق دریا راه دکن را در پیش گیرد. نخست حافظ به‌خاطر این‌که قادر به چنین سفری نداشت، عذر خواست اما وزیر پادشاه، میر فیضی... انجوبرای حافظ راه‌توشه فرستاد و حافظ به جزیره هرمز رفت تا سوار کشتی به دکن رود. در این میان هنوز کشتی حرکت نکرده بود که باد مخالف وزید و دریا توفانی شد. همان حالی که حافظ در بی‌نی و صفش کرده است: شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل / کجا دانند حال ما سبکیاران ساحل‌ها شاعر شیرازی این حال و حالت را که دید، از سفر منصرف شد و این غزل را سرود و نزد میر فیضی... انجو فرستاد که: دمی با غم به سر بردن جهان یکسر نمی‌آرزد / به می بفروش دلق ما کترین بهتر نمی‌آرزد

پرداخت. از جمله شاعران لهستانی که تحت‌تأثیر اشعار حافظ بوده به «نوروید» و سروده او با نام «حافظ» اشاره کرد. به‌علاوه اظهار داشت که حافظ بر موسیقی لهستانی نیز اثر گذاشته و به نمونه‌هایی از این موسیقی اشاره کرد.

سخنران بعدی دکتر احسان!... شکراللهی، شاعر و استاد زبان فارسی و مدیر انتشارات مجلس شورای اسلامی بود که درخصوص «پیام جهانی حافظ» به سخنرانی پرداخت.



سرزمین در دوران زندگی حافظ غیاث‌الدین اعظم‌شاه بوده. اوهم پادشاهی ادب‌دوست و شیفته شعر و ادب و زبان فارسی بوده است. او نیز چون صیت شهرت حافظ را شنید و دیوانش را خواند، دل‌باخته جادوی سخنش شد و نامه‌ای به حافظ نوشت و هدیه‌های فراوان برای شاعر فرستاد. حافظ در نامه‌ای ضمن سپاس از لطف شاه، این شعر مشهورش را سرود و به دربار او فرستاد: ساقی حدیث سرو و گل و لاله می‌روی / وین بحث با ثلاثه غساله می‌رود / می‌ده که نو عروس چمن حد حسن یافت کار این زمان ز صنعت دلاله می‌رود / شکر شکن شوند همه طوطیان هند / زین قند پارسی که به بنگاله می‌رود / طی مکان ببین و زمان در سلوک شعر / کاین طفل یکشنبه‌ره یکساله می‌رود...

البته گروهی هم می‌گویند در آن زمان شاه غیاث‌الدین بنگالی هنوز به تخت ننشسته بوده و آن زمان ولیعهد بوده است.

#### بر زبان عارف و عامی

داستان‌ها درباره ارتباط مستقیم شاهان هند حافظ درست باشد یا نه، این حقیقت را نمی‌توان کتمان کرد که در زمانی بسیار کوتاه بعد از مرگ حافظ، شعر او در سراسر هند بر زبان عارف و عامی جاری بوده است. همه نقل‌قول‌های به‌جای مانده از قرن نهم به‌بعد، حاکی از آن است که غزلیات حافظ در خانقاه‌ها و مجالس واعظان هندی و نیز در سرودهای قوالان این سرزمین رایج و این رواج از هر شاعر دیگری از متقدمان هم بیشتر بوده است. می‌دانیم که حافظ در پایان دیوانش، مثنوی مشهوری به نام «ساقی نامه» دارد: بیار ساقی، آن می که حال آورد / کرامت فراید. کمال آورد...

که بعد از او ساقی نامه‌نویسی به‌خصوص در میان شاعران فارسی‌زبان و بالاخص شاعران هندی رواجی بسیار یافت و همین رواج نشان‌دهنده این است که شعر او در هند چقدر مورد توجه بوده است. اگر شعر شاعران سبک هندی را که از قرن دهم به بعد، سبک غالب شعر فارسی شد، مرور کنیم، می‌بینیم که در شعر آنان حافظانه‌سرودن، نقطه اوج شاعری تصور شده است؛ به‌گونه‌ای که صائب، شاعر مشهور این سبک که خود مدتی در هند می‌زیست و ملک‌الشعراى دربار پادشاهان هند بود، معشوقش را چنین می‌ستاید: هلاک حسن خداداد او شوم که سرتاپا / چو شعر حافظ شیراز انتخاب ندارد!

#### نسخه‌نویسی حافظ در هند

در اندک زمانی بعد از مرگ حافظ، تیمور سرپزآورد و بخش بزرگی از جهان آن روز را زیر سم اسبان خود گرفت و در ایران نیز از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب، شهرهای بسیاری را ویران کرد، مردمانش را بی‌رحمانه کشت و و بناهای بسیار را خراب کرد. این هرج و مرج و آشفتگی ممکن بود مانند بلایی که حمله مغولان بر سر ایران آورد و بسیاری از میراث مکتوب ما را برای همیشه از صحنه روزگار حذف کرد، تکرار شود اما خوشبختانه بسیاری از این آثار در هند باقی‌بوندند. یکی از این کتاب‌ها، دیوان حافظ

متوجه شوی که مشعل هنر و فرهنگ ایران طی قرون متمادی روشن و درخشان بود و پرتو خود را تا ماوراءالنهر در آسیای میانه می‌تاباند. او در دوران نخست‌وزیری خود، نامه‌ای به احمد قوام، نخست‌وزیر ایران که خواستار گسترش روابط دو کشور شده بود، می‌نویسد، نهر و نامه خود را با این بیت حافظ شروع کرده است: در راه دوست، مرحله قرب و بعد نیست / می‌بینمت عیان و دعامی فرستم در این نامه، او ضمن بیان بخشی از گره‌خوردگی فرهنگی ایران و هند، به قوام می‌نویسد: باید ما هم کمر عزم و همت را بر میان سعی و عمل چیست تر ببندیم و همواره از ترانه عارفانه عارف شیراز مزیمه‌ساز بزم عالم و عالمان باشیم؛ بیا تا گل افراشیم و می در ساغر اندازیم / فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم / اگر غم لشگر انگیزد که خون عاشقان ریزد / من و ساقی به هم سازیم و بنیادش براندازیم

بود. اگرچه خود هند هم زیر چکمه‌های تیمور، آسیب زیادی دید، آن قدر نسخه‌های خطی دیوان حافظ زیاد بود که با وجود درگیر شدن هند در جنگ‌ها و بحران‌های پی‌درپی، باز هم این سرزمین پر از کتاب حافظ بود و اگر کتاب «فهرست نسخه‌های خطی و چاپی دیوان حافظ در هند» نوشته شریف حسین قاسمی را که در سال ۱۳۴۷ منتشر شده، ببینید می‌توانید به تعداد نسخه‌های خطی به‌جای مانده در هند پی ببرید. گفته شده است تا ۴۰۰ نسخه خطی دیوان در کتابخانه‌های هند وجود دارد. پادشاهان هند که به کتاب‌سازی و حمایت از نسخه‌نویسی کتاب علاقه داشتند، همواره نظر و عنایت ویژه‌ای به کتاب حافظ داشته‌اند. قدیمی‌ترین نسخه از نسخ خطی دیوان حافظ هند، در موزه سالار جنگ حیدرآباد نگهداری می‌شود که متعلق به سال ۸۱۳ است؛ در قالب جُنگ منتهخی از اشعار ۱۶ شاعر فارسی که حاوی ۴۷ غزل حافظ نیز هست.

در سال ۱۹۹۲، کتابخانه عمومی نورالدین خدابخش در خارطوم هند، نسخه‌ای بسیار کمیاب به نام «دیوان حافظ نسخه سلطنتی مغول» منتشر کرد که دارای حاشیه‌نوشته‌های پادشاهان هند از جمله شاه‌همایون و جهانگیر بود. آنها پس از تغال به دیوان حافظ، در حاشیه دیوان، نوشته‌هایی می‌نوشتند که بیشترشان ثبت بیان دلیل تغال و نتیجه آن است. یکی از قدیمی‌ترین نسخ دیوان حافظ که هنوز در دست است، نسخه‌ای است متعلق به قرن نهم هجری که شاه‌جهان پادشاه نامدار سلسله گورکانی بر آن یادداشت نوشته است. براساس نوشته او، این نسخه به خط

سلطان نستعلیق علی مشهدی در سال ۸۷۶ هجری یعنی ۸۴ سال بعد از درگذشت خود شاعر در هرات یا مشهد نوشته شده است.

#### حافظ در هند امروز

انتشار کتاب دیوان حافظ به‌صورت چاپی نخستین بار نه در ایران بلکه در هند اتفاق افتاد. دیوان حافظ در ایران حدود نیم‌قرن پس از هندوستان منتشر شد. اولین نسخه چاپی این کتاب در سال ۱۷۹۱ در کلکته منتشر شد و به دنبال آن ترجمه‌های دیوان حافظ به زبان‌های بنگالی، پنجابی، هندی مراتهی و انگلیسی نیز در این کشور توسط مترجمان چاپ شده‌اند و بیش از ۳۰ ترجمه از حافظ به این زبان‌ها وجود دارد و شرح‌نویسان هندی چندین شرح بر دیوان حافظ نوشته شده‌اند. کتاب این شاعر ایرانی، کتاب بالینی بسیاری از نخبگان و ادب‌دوستان هندی بوده و یکی از آنها پدر رایبندانات تاگور، شاعر مشهور هندی و برنده جایزه ادبی نوبل بود است. می‌گویند پدر تاگور هر بامداد هنگام نیایش به درگاه خدا غزلی از حافظ را نیز می‌خواند. تاگور در سال ۱۳۱۳ شمسی به ایران دعوت شد و توفیق یافت که بر سر آرامگاه حافظ برود. خود او درباره حال و هوایش در حافظیه نوشته است: با نشستن کنار مقبره حافظ، پرتوی درخشان از ذهنم گذشت؛ پرتوی درخشان از چشم‌های حافظ. در یک روز بسیار طولانی، مانند تایش خورشید بهاری اینک می‌تابد. ما همچون هم‌نشینان یک خدایتیم که می‌نوشیم از پیمانه‌هایی با طعم‌های بسیار. احساس بسیار روشنی دارم، اگرچه قرن‌های بسیاری گذشته است، بسیاری آمده‌اند و رفته‌اند. اما نشستن در کنار مقبره حافظ، سلوک در کنار حافظ است.



#### قاب مقاومت

#### روایت صهیونی از صلح

هنرمندان، چهره واقعی و بزک‌شده حقیقت‌های دستکاری شده را به بهترین شکل نمایش می‌دهند. در این کاریکاتور از نواف‌الملا، کاریکاتوریست عرب، واقعیت ادعاهای رژیم صهیونیستی برای دستیابی به صلح نمایش داده می‌شود. صلحی که اسرائیل در پی آن است، درحقیقت تلاشی برای کشتار و نسل‌کشی با دستی‌باز و بدون مقاومت است. سایه کبوتر صلحی که نشان صهیونیسم بر آن باشد، جز خرابی، کشتار و آوارگی بیشتر نیست و به همین دلیل بهترین سیاست برای مهار رژیم آپارتاید اشغالگر، مقاومت است.

#### اهمیت کوش نامه

#### در تحقیقات شاهنامه پژوهی

نشست «اهمیت منظومه کوش‌نامه در تحقیقات شاهنامه‌پژوهی و تاریخی» در سالن خیام خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار می‌شود. این نشست یکشنبه ۲۲ مهر در سالن خیام خانه‌اندیشمندان علوم انسانی برگزار می‌شود. در این نشست علی‌اصغر بشیری سخنرانی می‌کند. کوش‌نامه، اثر حکیم ایران‌شان بن ابی‌الخیر، از تاریخ‌نامه‌های ملی افسانه‌ای منظوم فارسی است که بخشی از رویدادهای تاریخ داستانی ایران باستان را به‌روایتی متفاوت با شاهنامه فردوسی و شاهنامه‌های پیش از آن، بازگو کرده و به کوشش جلال‌متینی، منتشر شده است. کوش‌نامه که در نخستین سال‌های سده ششم هجری و به سبک شاهنامه سروده شده، دارای نقلی زیبا و کم‌وبیش استوار است. این منظومه از حماسه‌های ملی ایران است که با برخورداری از ارزش‌های فرهنگی، آن‌گونه با شاهنامه در پیوند است که باید آنها را از نظر محتوایی مکمل یکدیگر دانست. روایت این حماسه از کشته‌شدن جمشید و تبعیدشدن جمشیدیان و آوارگی آنها در چین آغاز می‌شود. دراین منظومه، کوش پیل‌دندان شخصیتی است زشت‌روی و زشت‌کردار. گرویزان از هرآنچه فرهنگ و مردمی است که به فرمان خشم، بی‌هیچ خردورزی و درنگی خون می‌ریزد و پیوسته دست تصرف در خواسته و ناموس و آیین مردمان دارد.



#### برگزاری مراسم چهلم

#### محمدعلی بهمنی

سمانه نایینی، شاعر و روزنامه‌نگار از برگزاری آیین چهلم و نکوداشت زنده‌یاد محمدعلی بهمنی خبر داد و گفت: این مراسم فردا در باغ کتاب برگزار می‌شود و علاقه‌مندان به حضور در آن می‌توانند با تهیه بلیت رایگان از ایران کنسرت، ساعتی را در جمع شعر و موسیقی و هنر، یاد و خاطره محمدعلی بهمنی را پاس بدارند. وی افزود: محمد معتمدی، هادی منتظری، کیوان ساکت، بهروز رضوی، محمد سلمانی و... از جمله مهمان‌های این برنامه هستند. می‌خواهیم به یاد استاد بهمنی چندساعتی را با شعرخوانی، اجرای موسیقی و سخنرانی سپری کنیم. همان‌طور که زنده‌یاد بهمنی دوست داشت. این شاعر گفت: سعی داریم با نشست‌های مختلف یاد و خاطره این شاعر بزرگ را زنده نگه داریم. محمدعلی بهمنی، شاعر و ترانه‌سرای نامدار معاصر، ۹ شهریور امسال بعد از یک دوره بیماری ناشی از سکته مغزی درگذشت. ازجمله کتاب‌های این شاعر می‌توان به باغ لال، در بی‌وزنی، عامیانه‌ها، گیسو، کلاه، کفتر، گاهی دلم برای خودم تنگ می‌شود، دهاتی، شاعر شنیدنی است، عشق است، این خانه وازه‌های نسوزی دارد، من زنده‌ام هنوز و فکر غزل می‌کنم و غزل زندگی کنیم اشاره کرد.